

# آرشیو جمله‌های هفتگی

مربوط به خبرنامه روزنوشته

بخش چهارم  
هفته‌های شصت و یک تا هشتاد

لحظه ها ناپیوسته نیستند؛  
و هیچ مرز و دیواری این سال را از سال آینده جدا نمی کند.

تمام آنچه هست، یک زندگی پیوسته است؛  
و اگر مرزی هست،  
همین لحظه است که  
آنچه را بر ما گذشته است  
از آنچه بر ما خواهد گذشت جدا می کند.

این مرزها می توانند جاودانه شوند اگر  
در آنها تصمیمی مهم و متفاوت بگیریم.

نشانه‌ی چنین تصمیم‌هایی هم معمولاً این است که  
همان مردمی که مرزهای ناموجود و موهوم سنتی را در کنارمان جشن می گیرند،  
آن انتخاب‌های بزرگ و ساختن این مرزهای جاودانه را  
با دیده‌ی شک و تردید و حتی شاید تحقیر نگاه می کنند.

محمد رضا  
شعبانعلی

همه کارهای سخت

و همه تصمیمهای دشوار،

زمانی ساده بوده‌اند.

گاه صرفاً صبر کردن بیش از حد،

و امید بیهوده به ساده‌تر شدن،

آنها را تا این حد سخت و دشوار کرده است.

محمد رضا شعبانعلی

قرار نیست هر مشکل پیچیده‌ای  
راه حل پیچیده‌ای هم داشته باشد.

بسیاری از پاسخ‌های پیچیده،  
ابزارهایی هستند که ما به کمک‌شان  
از پاسخ ساده‌ای که دوستش نداریم فرار می‌کنیم.

محمدرضا شعبانعلی

از کتابخانه‌های یکپارچه بدم می‌آید.  
و از کتابدارانی که صد کتاب دارند اما  
همه کتاب‌هایشان یک حرف می‌زنند؛  
و عموماً نیز حاصل رونویسی از یکدیگرند.

کتابخانه‌ی خوب، باید کتاب‌هایی داشته باشد که  
در حد شب و روز،  
در حد آب و خشکی،  
در حد دو جنس نر و ماده،  
با هم متفاوت باشند.

مگر جز این است که  
زایش، در متکامل‌ترین شکل آن  
از ترکیب دو تضاد شکل می‌گیرد؟

محمد رضا شعبانعلی  
پاسخ به یکی از کامنت‌های روز نوشته

وحشت و مقاومتی که هر انسان طبیعی  
هنگام رفتن به عمق درون خود تجربه می کند،  
ترس از سفر به سرزمین مردگان است

یونگ

بسیاری عاشق، بسیاری معشوق  
عاشق و معشوق، انگشت شماری

عباس کیارستمی

اگر می‌خواهی به تو بگویم که  
یک جوان در زندگی چقدر پیشرفت خواهد کرد،  
به من بگو عصر و غروبش را به چه می‌گذرانند.

اکثر مردم فکر می‌کنند که پیشرفت جوانان به این بستگی دارد که  
ساعات کار خود را چگونه می‌گذرانند؛  
اما نحوه‌ی گذران ساعات بیکاری، شاخص بهتری است.

ساعت استراحت باید برای چیزی فراتر از بیکاری صرف شود:  
رشد کردن و آماده شدن برای پذیرش مسئولیت‌های بزرگ‌تر.

جوانانی که منتظر می‌مانند تا مسئولیت بزرگ‌تر به سراغشان بیاید  
و سپس برای آن آماده شوند،  
در بهترین حالت، فقط شغل خود را حفظ می‌کنند.


برتی چارلز فوربس



به تجربه آموخته‌ام که وقتی کسی از من پاسخ آری یا نه می‌خواهد،  
اگر مرا تحت فشار زمانی قرار داد،  
بلافاصله به او پاسخ منفی بدهم.

چون پاسخ منفی را می‌توان بعداً به پاسخ مثبت تغییر داد،  
اما برای تغییر دادن پاسخ مثبت،  
معمولاً فرصت دیگری نیست؛  
آن هم برای مخاطب شتابزده‌ای که آن را با فشار اخذ کرده است.

چارلز نیلسن



همه‌ی آنها که جنگ را دیده‌اند  
در میان همه آنها که جنگ را ندیده‌اند  
مانند مهاجرانی بیگانه هستند  
که به نقطه‌ی دیگری از تاریخ سفر کرده‌اند.

ترجمه آزاد از مارگارت مید

انسان هرگز

نسبت به کسی که از خود کوچک تر می شمارد نفرت نمی ورزد؛  
بلکه نفرت را درباره کسانی تجربه می کند که ایشان را  
با خود برابر یا از خود برتر می بیند.

نیچه

جابر بن حیان و نیوتن، عمری در تلاش برای کیمیاگری بودند.  
هر دو شکست خوردند؛  
اما حاصل تلاش‌های یکی، تولد شیمی بود،  
و حاصل کار دیگری، رشد فیزیک.

آنچه ما نبوغ می‌نامیم،  
عموماً نمایش بیرونی تلاش‌های گسترده‌ی شبانه روزی است.  
نام‌ها و دستاوردها می‌مانند؛  
اما تلاش‌ها و خستگی‌ها و شکست‌ها ثبت نمی‌شوند.  
و مردمی که از تلاش و پشتکار بی‌بهره‌اند،  
آن انسان‌های متفاوت را  
به عنوان "نبوغی معجزه‌وار" در ذهن تاریخ ثبت می‌کنند.

محمد رضا شعبانعلی

دنیای تکنولوژی به تدریج این ذهنیت را در ما ایجاد می‌کند که  
نه تنها کمیت مهم است؛  
بلکه به نوعی می‌تواند نشانه‌ای از کیفیت هم باشد.

چنانکه مطلبی که لایک بیشتری گرفته،  
یا بیشتر بازنشر شده،  
مطلب موفق تری محسوب میشود.

ما فراموش می‌کنیم که  
یک حرف سطحی  
هرگز نمی‌تواند به اندازه‌ی یک حرف عمیق، تغییر موثر ایجاد کند؛  
ولو آنکه تایید میلیون‌ها نفر نیز در زیر آن ثبت شده باشد.

یارون لنیر

میل به برابری ما را به نابودی نمی‌کشاند.  
ریشه‌ی نابودی در  
میل به برابری بیش از حد است.

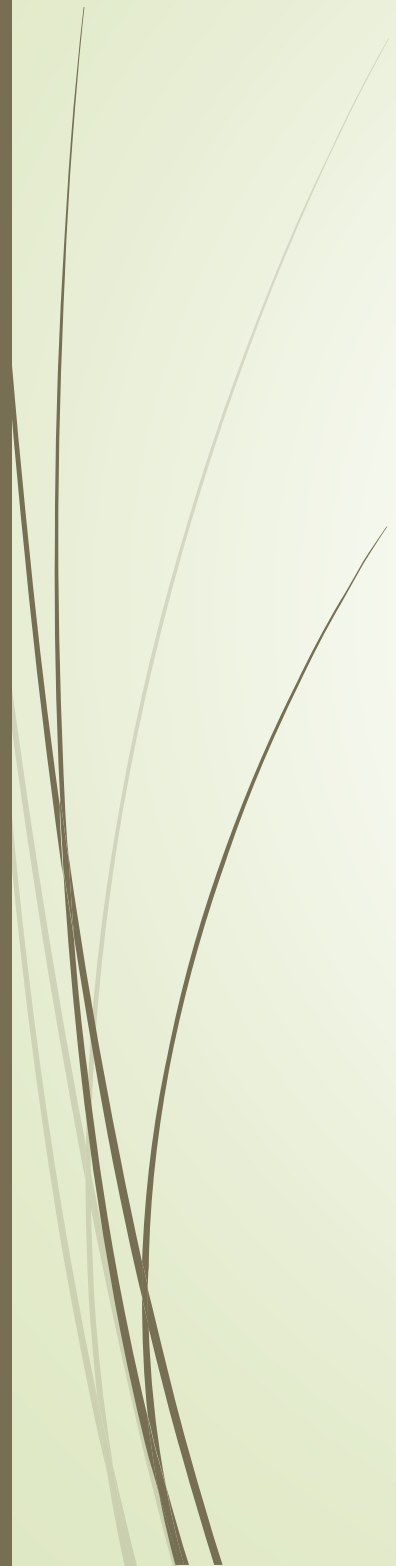
منتسکیو

قانون مانند تار عنكبوت بزرگی است که

حیوانات بزرگ از آن عبور می کنند؛

اما حشرات ریز گرفتارش می شوند.

بالزاک



نمی دانم کدام را باید احمقانه تر دانست:  
کودکانی که از تاریکی می ترسند؛  
یا بزرگسالانی که روشنایی آنها را می ترسانند.

موریس فری هیل



از انگیزش بدون آموزش می ترسم.  
چون ممکن است انسان‌ها را  
به حرکت تندتر در مسیر نادرست تشویق کند.

جیم ران

چون فرصت کافی برای راضی کردن مخاطبان و منتقدان ندارم،

ترجیح می دهم فقط به راضی کردن مخاطبان مشغول باشم.

والت دیزنی

مشکل از جایی شروع می‌شود که یک سقف و چند دیوار را،  
خانه‌ی خود در نظر می‌گیریم؛  
در حالی که خانه‌ی واقعی مان، ذهن ما است.  
باید برای وسایل این خانه وقت بگذاریم:

کسانی که به خاطر می‌سپاریم؛  
کسانی که فراموش می‌کنیم؛  
رویدادهایی که به خاطر می‌سپاریم؛  
رویدادهایی که فراموش می‌کنیم؛  
آنچه انتخاب می‌کنیم امروز بدانیم؛  
و آنچه انتخاب می‌کنیم امروز یا هرگز ندانیم.

ما این خانه را،  
خوب یا بد، زشت یا زیبا، سبک یا سنگین،  
همه‌جا و همواره بر دوش خود حمل می‌کنیم.

ترجمه آزاد از تاد ویلیامز

مهاتما گاندی، در سال ۱۹۲۵ فهرستی تحت عنوان هفت گناه اجتماعی در روزنامه‌ی هند جوان منتشر کرد و گفت این قسمتی از نامه‌ای است که به یک دوست نوشته است.

او سال‌ها بعد (۱۹۴۷) هم‌چنان بر باور خود باقی مانده بود و همان فهرست را دوباره برای نوه‌اش روی کاغذ آورد. او به نوه‌اش توضیح داد که بی‌توجهی به هر یک از این هفت مورد می‌تواند در یک جامعه میوه‌ی خشونت به بار بیاورد.

خود او نیز به دست خشونت‌طلبان قربانی شد. فاصله‌ی روزی که این هفت مورد را برای نوه‌اش نوشت و زمان ترور او، صرفاً حدود سه ماه بود:

- سیاست بدون وفاداری به اصول
- ثروت اندوزی بدون کار کردن
- لذت و خوشی بدون داشتن وجدان
- دانش بدون داشتن شخصیت و منش
- تجارت و کسب و کار بدون اخلاق
- علم بدون انسانیت
- عبادت بدون فداکاری برای دیگران

موسیقی عجیبی است مرگ

بلند می شوی و چنان آرام و نرم می رقصی  
که دیگر هیچ کس تو را نمی بیند

گروس عبدالملکیان

